

وظیفه‌مندی نهاد خانواده در قبال تربیت دینی فرزند از منظر فقه

□ رجبعلی افتخاری *

چکیده

تربیت دینی فرزندان و آشناسازی آنان با مبانی و ارزش‌های دینی، از مؤلفه‌های اساسی تربیت با قدمت دیرینه است که، در جوامع مختلف انسانی همواره مورد توجه سازمان‌های آموزشی و تربیتی و نیز مکتب‌ها و نحله‌های فکری و فقهی بوده است. در این تحقیق، وظیفه‌مندی نهاد خانواده در زمینه تربیت دینی کودکان از منظر فقه مورد بررسی قرار گرفته است، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی مبتنی بر اجتهاد و استنباط است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از منظر فقه اسلامی این موضوع حایز اهمیت می‌باشد و نهاد خانواده در قبال تربیت دینی فرزندان وظیفه‌الزامی دارد و در صورت کوتاهی و انحراف فرزندان از مسیر دین مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرند. با توجه به ساختار معارف اسلامی وظیفه‌مندی نهاد خانواده در سه حیطه اعتقادی، احکامی و اخلاقی سامان می‌یابد. در حیطه اعتقادی خانواده وظیفه دارد فرزندان را نسبت به خدا و صفات او و بطور کلی اصول اعتقادی راهنمایی نماید و در زمینه حیطه احکامی (عبادی) خانواده وظیفه دارد فرزندان را به اطاعت خدا و امور عبادی سوق دهند. وظیفه خانواده در دو حیطه مذکور به نحو الزام است اما در مورد حیطه اخلاقی وظیفه او به نحو غیر الزامی و در حد استحباب مؤکد می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حکم تکلیفی، تربیت دینی، خانواده، اعتقادات، اخلاقیات و عبادات.

مقدمه

از موضوعات اساسی در باب تربیت، تربیت دینی و پرورش کودک دیندار با ویژگی انسان متدین است. قدمت این موضوع به قدمت تاریخ زندگی بشر است در هر جامعه‌ای که، تعلیم و تربیت وجود داشته است، تربیت دینی هم مطرح بوده است. کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که با دین و تربیت دینی سروکار نداشته باشد جوامع بشری نه تنها دین دار بودند، بلکه دین را امر ضروری می‌دانستند. مراجعه به متون دینی مختلف نشان می‌دهد که، انسان بدون پای بندی به دین نمی‌تواند به هدف نهایی حیات خود دست یابد. (داوودی، ۱۳۸۰ ص ۱۱) براساس مبانی دینی ما تنها راه رستگاری انسان ایمان به خدا و عمل به دستورات اوست. مسیحیان نیز با استناد به تعلیمات انجیل همین عقیده را دارند. در انجیل آمده است:

«اگر می‌خواهیم زندگی ابدی را دریافت کنیم، به معرفت دقیق در باره خدا و... و ملکوت او نیاز داریم (یوحنا، ۳-۱۷ به نقل از داوودی، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

بنابراین تربیت دینی کودکان و باورمندی آنان به دین و آموزه‌های آن ضرورت می‌یابد. بدیهی است که، این مهم به خودی خود بدست نمی‌آید و کسانی باید آن را محقق سازند. نهادهای که مسئولیت تربیت کودکان را بر عهده دارند نسبت به تربیت دینی آنان نیز وظیفه دارند. از نهادهای رسمی تربیت، نهاد خانواده است از آنجای که خانواده اولین مرکز تربیتی است باید گام‌های اساسی و اولیه را در تربیت کودک دیندار بر دارد. در این مقاله اصل وظیفه مندی خانواده در تربیت دینی و پرورش کودک دیندار و نیز محورها و حوزه‌های تربیت دینی بر اساس ادله فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وظیفه مندی نهاد خانواده در قبال پرورش کودک دیندار

در منابع و آموزه‌های دینی ما گزاره‌های زیادی موجود است که، بر وظیفه مندی خانواده بخصوص والدین در قبال تربیت دینی اهل و بار آوردن کودک دیندار دلالت دارند در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود.

آیه وقایه

از آموزه‌های دینی که بر وظیفه‌مندی نهاد خانواده در زمینه پرورش دینی کودکان اشاره دارد آیه ششم سوره تحریم است. خداوند متعال خطاب به مؤمنین می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» (تحریم/۲۰)

همانگونه که ملاحظه می‌شود، مخاطب در این آیه عموم مؤمنان است. طبق مفاد آیه عموم مؤمنین نسبت به خود و اهل شان وظیفه‌صیانتی و حفاظتی دارند. به قرینه کلمه «اهلیکم» خانواده از مؤمنین و مخاطب آیه می‌باشد. براین اساس خانواده وظیفه دارند خود و اهل شان را از سقوط در آتش جهنم محافظت نمایند. از آنجای که آیه در ساختار امر است حکم مذکور به نحو الزام است. طبیعی است که مراد از صیانت در اینجا، نجات قطعی اهل و خود شان از آتش نیست؛ زیرا نجات قطعی خارج از توان مکلف (خانواده) است، بلکه مراد از محافظت اهل از آتش، فراهم سازی مقدمات دوری آنان از آتش از طریق امر به انجام واجبات و ترک محرمات - که از مصادیق بارز تربیت دینی است - می‌باشد. ۱ پس براساس مفاد آیه کریمه والدین وظیفه دارند مقدمات دوری فرزندان را از آتش فراهم نمایند. یعنی اینکه آنان را به انجام واجبات امر و از انجام محرمات باز دارند. همچنین نسبت به نجات خود شان از طریق انجام واجبات و ترک محرمات اقدام نمایند.

حکم مذکور در ساحات تربیتی هم مصداق دارد و می‌توان از طریق تربیت اهل در ساحات مختلف اعتقادی، عبادی و اخلاقی که از مصادیق بارز تربیت دینی می‌باشند، برای نجات اهل از آتش جهنم سود جست. بدون شک بی توجهی والدین به امور یاد شده و غفلت فرزندان از آن، آنان در مسیری گام خواهند گذاشت که سر انجامش سقوط در آتش جهنم است.

نکته قابل توجه در مورد مفاد آیه اینکه زمینه سازی والدین برای نجات اهل از آتش یک حکم تکلیفی است که والدین موظف به رعایت آن است و حکم مذکور هم در حد الزام و واجب است چون آیه در ساختار امر است که ناظر به الزام می‌باشد.

رسالة حقوق امام سجاده علیه السلام

از آموزه‌ها و گزاره‌های دینی که، بر وظیفه‌مندی خانواده در مورد پرورش دینی کودک اشاره دارد

رساله حقوق امام سجاده علیه السلام است چنانچه می فرماید:

وَأَمَّا حَقٌّ وَلَدِكَ فَإِنَّ نَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُصَافٍ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِمْ وَ شَرِّهِمْ
وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ
عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقَبٌ
عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲. ۱۴۰۳ق ج ۲، ص ۵۸۶)؛ اما
حق فرزند تو این است که بدانی او از توسل و در نیک و بد این جهان پیوسته به تو.
و توبه حکم ولایتی که بر او داری، در آداب نیک آموختن و شناساندن خدا و کمک
کردن وی بر اطاعت خدا مسئول او هستی - پس در کار او همچون کسی باش که
می داند در نیکویی وی را پاداش، و در بدی او را کیفر می دهند.

همانگونه که ملاحظه می شود، در این روایت تعبیری به کار رفته است که ناظر به تربیت دینی
فرزندان می باشد و والدین را در قبال آن مسئول معرفی می کند. آن تعبیر عبارتند از:
الف) « وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ » که بر مسئول بودن خانواده در قبال فرزندان اشاره دارد؛ اما
عبارات در ذیل عبارت مذکور بر مصادیق این مسئولیت اشاره دارند.
ب) « مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ » نیکو تربیت کردن مصادیق مختلف دارد تربیت دینی مصداق بارز
آن است.

ج) « وَ الدَّلَالَةَ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ » راهنمای به سوی پروردگار و شناخت او به عنوان خالق
هستی مصداق کامل تربیت دینی فرزند در حوزه اعتقادی و شناختی است. راهنمایی به سوی
خداوند می تواند به دو معنا باشد: الف) آموزش خدا و صفات الهی و راهنمایی برای شناخت
خداوند. ب) آموزش را خدا و دینش و راهنمایی فرزند به سوی آنچه خداوند رضایت دارد. (اعرافی،
۱۳۹۵ص ۶۲) توضیحات لازم در این زمینه در حوزه اعتقادی تربیت دینی ارائه می شود.

د) « وَ الْمَعُونَةَ عَلَى طَاعَتِهِ » یاری کردن فرزند در طاعت و عبادت خداوند از مصادیق تربیت
عبادی است. پس طبق این عبارت والدین باید به فرزندان خود در اطاعت از خداوند یاری رسانند
و بارزترین مصداق اطاعت انجام واجبات عبادی و مناسک دینی است. (اعرافی، همان)

بنابراین رساله حقوق امام سجاده علیه السلام به خوبی بر وظیفه مندی والدین در قبال تربیت دینی
فرزندان دلالت دارد و نکته قابل توجه در این خصوص اینکه تعبیر سه گانه « حق » « انک مسئول »

و «عماولیت» می‌رساند که این مسؤولیت والدین یک تکلیف الزامی و واجب است بخصوص که در پایان کلام تأکید دارد بر اینکه بی توجهی نسبت به این مهم موجب عقوبت «مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ» است روشن است که عقوبت و کیفر در وظایف غیر الزامی بی معنی است. دیگر اینکه روایت ناظر به تربیت خانوادگی است؛ زیرا در آن از حقوق فرزندان سخن رفته است کلمه «ولد» قرینه بر خانوادگی بودن است.

دعای بیست و پنج صحیفه سجادی

امام سجاد علیه السلام در یکی از مناجات‌هایش نیکو تربیت کردن فرزندان را از خداوند طلب می‌کند: «پروردگارا! بر من منت گذار و فرزندان مرا بر من ببخش. بر من منت گذار و از نعمت صلاح محرومشان مساز و مرا از اصلاح عقیده و حسن تربیت شان بهره مند فرمای.» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵)

در این کلام زیبا امام علیه السلام اصلاح عقیده و نیکو تربیت کردن فرزندان (کودک دین دار) را از خداوند درخواست می‌کند که، از وظیفه‌مندی وی در زمینه تربیت دینی فرزند و بار آوردن او با ویژگی کودک دیندار حکایت دارد. چنانچه در رساله حقوق مسولیت تربیت دینی فرزندان با ویژگی کودک دیندار را از وظایف اصلی خانواده می‌داند.

مرسله نبوی

وَقَالَ صَلَّى: أَلَا كُتُّكُمْ رَاعٍ وَ كُتُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُتُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ (ورام، ۱۴۱۰ ق ج ۱، ص ۶)

طبق این روایت پدر و مادر مسؤول تربیت دینی فرزند در راستای دین‌مداری کودک می‌باشد هر چند که، در این روایت به تربیت به نحو اطلاق اشاره شده است ولی تربیت دینی و کودک دین‌باور از مصادیق بارز تربیت می‌باشد.

گزاره محل بحث این فراز رساله است: (وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ

فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این فراز مرسله نیز مشتمل بر دو عبارت کلیدی یعنی «رَاعٍ - رَاعِيَةٌ» و «مَسْئُولٌ - مَسْئُولَةٌ» می‌باشد. عبارت اول مرد خانواده را به منزله حافظ و نگهبان اهل و زن خانواده را به منزله راعی نسبت به اهل بیت شوهر و فرزندان وی معرفی می‌کند. ظاهر عبارات مرسله (راعی و راعیه که به معنای حافظ و نگهبان است) بیشتر ناظر به محافظت جسمی اهل و فرزندان است، بنابراین خانواده (پدر و مادر) وظیفه دارند اهل را از لحاظ جسمی محافظت نمایند؛ لکن با توجه به اطلاق واژه راعی مصادیق متعدد می‌توان برای آن فرض کرد مانند محافظت اعتقادی و عقلی چون اهل از این دو لحاظ نیز مورد تهدید است که طبق مرسله نیازمند محافظت می‌باشد. محافظت دینی بدو معنا می‌باشد: الف) فرزند را با خدا و صفات او آشنا سازد. ب) او را نسبت به شبهات که سبب انحراف و دلسردی از دین می‌شود، آگاه سازد.

مشهوره امام صادق علیه السلام

از گزاره‌های مهم دیگر، روایت مشهور از امام صادق علیه السلام است که، در آن اموری از حقوق فرزند برپدر خانواده قلمداد شده است:

عن الصادق علیه السلام «تَجِبُ لِلْوَلَدِ عَلَىٰ وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: اخْتِيَارُهُ لِوَالِدَتِهِ وَتَحْسِينُ اسْمِهِ وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ» (حرانی، ۱۴۰۴ق ص ۳۲۲)

همانگونه که ملاحظه می‌شود در این روایت سه امر (انتخاب مادر مناسب، نام نیک و جدیت در تربیت از حقوق فرزند تلقی شده است. آنچه به بحث حاضر ارتباط پیدا می‌کند دو امر یعنی انتخاب مادر مناسب برای فرزند آینده و جدیت در تربیت وی است. در خصوص مادر مناسب باید گفت اگر همسر مرد از لحاظ جسمی فردی سالم باشد و از لحاظ معنوی و روحی صالح و دیندار باشد بخشی مهمی از تربیت فرزند، سامان یافته و تضمین شده است (داوودی و حسینی زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۶) در روایات به این مسأله توجه شده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

«به هم شأن خود زن بدهید و از هم شأن خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود {جایگاهی

مناسب} انتخاب کنید» (حرعاملی، ۱۳۶۷ج ۱۴، ص ۲۹)

مراد از «جایگاه مناسب» مادر شایسته و صالح با ویژگی مطلوب دینی و ارزش‌های انسانی است، چون همانگونه که صفات ظاهری مادر به فرزند منتقل می‌شود ویژگی‌های اخلاقی و معنوی او نیز قابل انتقال است چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: برای نطفه‌های خود جایگاه مناسب انتخاب کنید که ویژگی‌های دایی در { شکل‌گیری شخصیت } فرزند اثر گذار است. (همان، ص ۲۸) طبیعی است، وقتی ویژگی دایی در شخصیت فرزند اثر گذار باشد ویژگی‌های اخلاقی و معنوی مادر به طریق اولی تأثیر دارد.

طبق مفاد روایات وقتی مادر به اصول و ارزش‌های دینی پای بند است ترجیح می‌دهد فرزندش با اصول اخلاقی دینی و معنوی تربیت شود. همچنین خصوصیات اخلاقی و معنوی مادر از طریق وراثت به فرزند منتقل می‌شود..

مراد از «مبالغه در تأدیب» در این روایت هم به قرینه صدر روایت «تَجِبُ»، تربیت دینی است؛ زیرا تربیت دینی با وجوب سازگارتر است نه صرفاً آداب آموزی.

بنابراین انتخاب مادر خوب برای فرزند و جدیت به خرج دادن در تأدیب او از حقوق کودک بر والدین است. اما از لحاظ اتصاف این حقوق به واجب یا استحباب باید گفت: هرچند لفظ «تجب» ناظر به الزامی بودن حقوق مذکور است؛ ولی با توجه به نوع حقوق مصرح در روایت (انتخاب مادر، انتخاب اسم نیکو و جدیت در تأدیب) روایت حمل بر استحباب می‌شود؛ زیرا کسانی از فقهاء به الزامی بودن حقوق یاد شده نظر ندارند، البته تربیت ذو مراتب است برخی مراتب مانند تربیت عبادی، دینی و.. الزامی است و برخی دیگر مستحب می‌باشد. به هر تقدیر دلالت مشهوره امام صادق علیه السلام بر موضوع روشن است و ابهامی در دلالت آن نیست.

طبقه ادله فقهی و آنچه بیان شد، اصل وظیفه‌مندی نهاد خانواده در قبال تربیت دینی فرزند باثبات رسید، در ادامه به بخش دوم موضوع یعنی وظایف خانواده نسبت به محورهای تربیت دینی اشاره می‌شود.

محورهای تربیت دینی

از لحاظ ساختاری معارف اسلامی (گزاره‌های معتبر اسلام) در سه مقوله کلی (اعتقادات، اخلاقیات و

احکام) قرار می‌گیرند. (مطهری، جهان بینی اسلامی، ص ۵۴)

محور اعتقادی

اعتقادات گزاره‌های هستند که وضعیت کلی جهان و وضعیت انسان را در جهان مشخص می‌کند و هر مسلمانی باید نسبت به آن گزاره‌ها شناخت و اعتقاد کافی داشته باشد. اینکه آیا در جهان آفریدگاری هست یا نه؟ آفریدگار جهان کیست؟ آیا آفرینش انسان عبث بوده؟ سر انجام انسان چیست؟ انسان در مقابل خدا و دیگران چگونه باید رفتار کند؟ وظیفه دارد یا نه؟ پاسخ این پرسش‌ها در اعتقادات اسلامی مطرح می‌شود. (داوودی، ۱۳۸۰، ص ۲۷)

در میان اعتقادات اسلامی پنج مورد (توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت) از مهم‌ترین هستند که از آن به «اصول عقاید» یاد می‌شود. «اصول دین»، اساس و پایه‌های اساسی دین اسلام می‌باشد که مسلمانی بدون اقرار به آن‌ها تحقق نمی‌یابد و انکار هر یک از آن‌ها موجب کفر می‌گردد، (شاهرودی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۳۶)

توحید، اعتقاد به یگانگی خداوند و اینکه جهان و تمام پدیده‌های آن آفریننده‌ای دارد. یگانه‌ای که شریک ندارد.

عدل، اعتقاد به اینکه خداوند عادل است و به هیچ کس ظلم نمی‌کند.

نبوت؛ اعتقاد به رسالت پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ و اینکه او آخرین فرستاده خدا است تا دستورات و هدایت الهی را در قالب دین اسلام - که کامل‌ترین دین الهی می‌باشد - در اختیار بشر قرار دهد.

امامت، یعنی اعتقاد به اینکه بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ جانشین او علی بن ابی طالب و بعد از او فرزندان او امام حسن و امام حسین علیهما السلام و نه تن از ذریه او که آخرین آن حضرت مهدی است، می‌باشد.

معاد؛ یعنی اعتقاد به اینکه انسان، با مرگ از بین نمی‌رود، بلکه بعد از مرگ هم از نوعی حیات برخوردار است. همه انسان‌ها در روز قیامت زنده می‌شوند و در محضر خداوند، کارنامه آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد و به نیکوکاران پاداش و به بدکاران، کیفر داده می‌شود.

آشنایی کودک با اصول اعتقادی اسلام، اقدام تمهیدی در زمینه پرورش کودک دیندار در حوزه احکام اعتقادی است. (ر.ک داوودی، ۱۳۸۰، ص ۲۷-۲۸)

در منابع دینی ما گزاره‌های وجود دارند که، خانواده را مسؤول تربیت دینی در حوزه اعتقادی معرفی می‌کنند و می‌توان از آن به عنوان ادله فقهی بر وظیفه‌مندی خانواده در قبال تربیت اعتقادی فرزند یاد کرد.

«وَ إِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِأَبْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان/۱۳)

«يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان/۱۶)

دو آیه شریفه فوق، سیره حضرت لقمان حکیم را در مورد تربیت دینی فرزندش بیان می‌کند. آیه اول راجع به خدا شناسی یعنی توحید و نفی شرک، آیه دوم ناظر به فرجام شناسی و مسؤول بودن انسان در مقابل عمل خویش در دنیای پس از مرگ است. این دو از اصول اعتقادی و از مصادیق تربیت دینی در حوزه اعتقادی است که، حضرت لقمان به آن پرداخته است. بنابراین براساس ادله قرآنی تربیت اعتقادی و راهنمایی فرزندان به خدا و آشنا سازی آن با مسائل مهم مانند قیامت و روز واپسین از وظایف والدین است.

چنانچه اشاره شد، در رساله حقوق امام سجاد^{علیه السلام} آشنا سازی فرزند با خدا و راهنمایی او به شناخت و صفات او از حقوق فرزندان شمرده شده است ۲. در منابع فقهی نیز به این مهم توجه گردیده است. بر اساس مبانی فقهی صیانت فرزند از آنچه موجب فساد اخلاق و عقیده‌اش می‌شود واجب است. (خمینی، بی تا ج ۲، ص ۱۴) و باید نسبت به جلوگیری از فروافتادن فرزند در ورطه خسران، فساد و معاصی مواظبت نمود و وی را از گناهان منع کرد (یزدی، ۱۴۰۹ ج ۱، ص ۷۴۲، و خوبی، ۱۴۱۷ ج ۳، ص ۳۱۲) و به اخلاق و آداب نیکو عادت داد (گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۸۲)

محور احکامی (عبادی)

حوزه احکامی تربیت دینی شامل آن دسته از معارف اسلامی می‌شود که، در قالب حکم تکلیفی واجب، مستحب، مباح، حرام و مکروه، یا صحیح و باطل بیان می‌شوند. برای مثال نماز در هر روز

بر فردی که به سن تکلیف رسیده واجب است. فردی که استطاعت مالی پیدا کرد حج و زیارت خانه خدا بر او یک بار در عمر واجب می‌شود. برخی رفتارهای مانند خوردن مایع مست کننده (شراب و...) حرام و از گناهان کبیره است.

احکام اسلامی به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم می‌شود. عبادات بخشی از احکام اسلام است که رابطه عبودیت و بندگی انسان با خالق هستی را بیان می‌کند و نیز انواع عبادات و کیفیت انجام آن را توضیح می‌دهد. عبادات دو دسته هستند عبادات واجب و عبادات مستحب. عبادات واجب عبارتند از: نمازهای یومیه، نماز طواف، نماز میت، نماز آیات و نمازی که بواسطه نظر و قسم واجب می‌گردد. روزه ماه رمضان، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر،

معاملات بخشی از احکام اسلام است که ناظر به امور اقتصادی، تجاری، معاملی، سیاسی، اجتماعی و احوال شخصیه مردم مانند نکاح، طلاق، خرید، فروش، رهن و اجاره و... می‌باشد. در فقه برای تمام این امور احکامی قرار داده شده است که، مکلف ملزم به رعایت آن می‌باشد و آموزش آن به فرزند از وظایف والدین است. آشنایی کودک با احکام اسلامی اقدام تمهید گونه برای پرورش کودک دیندار در حوزه احکام عبادی و معاملی اسلام است.

در منابع اسلامی گزاره‌های موجود است که، خانواده را در قبال تربیت دینی فرزندان در حوزه احکامی (عبادی) مسؤل می‌داند. خداوند خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه/۱۳۲)

و خانواده ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار و ثابت قدم باش ما از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه) ما تو را روزی می‌دهیم و سرانجام (نیکو) برای (اهل) تقوا است.

پس از نزول این آیه شریفه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق برخی روایات، چهل روز و طبق برخی دیگر، شش ماه هنگام نماز، مقابل در خانه علی علیه السلام و زهرا (س) می‌آمدند و بر آنان سلام می‌کرد و می‌گفت نماز! نماز! خدا شما را رحمت کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۲۰۷)

ملاحظه می‌شود که در این آیه خداوند پیامبرش را ملزم کرده است که، خانواده‌اش را به نماز دستور دهد و در این راستا باید جدیت و پایداری نشان دهد و هرگز سستی به خرج ندهد که، بیانگر

وظیفه‌مندی سرپرست خانواده در قبال تربیت عبادی فرزند می‌باشد. و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نسبت به دستور خداوند ملتزم بوده است.

هر چند که آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد، ولی اصل این است که، خطابات قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله تکلیف ویژه نباشد و با الغای خصوصیت تکلیف برای عموم مکلفان از جمله خانواده‌ها ثابت می‌شود.

در سیره تربیتی حضرت لقمان نیز به تربیت عبادی فرزندانش توجه شده است قرآن سیره لقمان را اینگونه بیان می‌کند:

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَمَلِ الْأُمُورِ» (لقمان/۱۷)

ملاحظه می‌شود که، آیه قرآنی سیره حضرت لقمان را در تربیت دینی فرزندش در حوزه عبادی (نماز) و وظایف اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) نشان می‌دهد و بیانگر اهتمام وی نسبت تربیت دینی فرزندش در حوزه عبادی و اجتماعی می‌باشد. با الغای خصوصیت تکلیف دیگر مکلفان (خانواده‌ها) هم بدست می‌آید.

افزون بر این در روایات خطاب به والدین آمده است که، فرزندان شان را در کودکی به نماز و روزه وادار سازند ۳:

در روایتی از امام کاظم علیه السلام اینگونه آمده است: « ما کودکانمان را در پنج سالگی به نماز امر می‌کنیم، پس شما کودکانتان را در ۷ سالگی به نماز امر کنید؛ ما کودکانمان را در هفت سالگی به روزه امر می‌کنیم به اندازه‌ای که توان دارند، تا نیمه روز یا بیش‌تر یا کمتر؛ و زمانی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می‌کنند تا به روزه عادت کنند و طاقت بیاورند؛ پس شما هم کودکانتان را در نه سالگی به روزه امر نمایید تا مقداری که می‌توانند و زمانی که تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار نمایند.»

ملاحظه می‌شود که، در این روایت توصیه شده است که والدین باید فرزندان شان را در کودکی به نماز و روزه امر کنند تا برای انجام عبادت در بزرگسالی آماده شوند. در منابع فقهی هم تربیت عبادی از وظایف والدین قلمداد شده است، حتی از دیدگاه برخی فقیهان بر والدین واجب است

که، از هشت سالگی طهارت و نماز را به کودک بیاموزند و وی را به حضور در جماعات عادت دهند. (علامه حلی، بی تا ج ۴، ص ۳۳۵).

محور اخلاقی

مجموعه اصول و آداب که نحوه تعامل یک فرد مسلمان را با دیگران در زندگی اجتماعی مشخص می‌کند، اخلاقیات اسلامی خوانده می‌شوند و ما در زندگی اجتماعی ملزم به رعایت آن هستیم. صفاتی مانند صداقت، خیر خواهی، همدلی و همدردی، تعاون و کمک به هم‌نوع و... معیارهای هستند که یک فرد مسلمان باید آن را در زندگی رعایت نماید.

اخلاق گاهی به دسته کوچک تر مانند اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی؛ گاهی نیز با توجه به حیطه عمل به اخلاق خانوادگی، اخلاق تحصیلی، اخلاق سیاسی و... تقسیم می‌شود. (داوودی، ۱۳۸۰، ص ۲۹).

آموزش معارف اسلامی در حوزه اخلاق به فرزند و التزام وی به رعایت اصول اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی یک نوع کمک به پرورش کودک دیندار در حوزه اخلاقیات اسلام است.

در منابع اسلامی بر وظیفه مندی خانواده در قبال تربیت دینی فرزند در حوزه اخلاقی تأکید شده است. در قرآن کریم از قول لقمان حکیم در این خصوص اینگونه آمده است:

«وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان/۱۸).

این آیه شریفه ناظر به سیره تربیتی لقمان در زمینه تربیت دینی در حوزه اخلاق است که، فرزندش را از رفتارهای غیر متعارف (متکبرانه) با دیگران بر حذر داشته است؛ چرا که تکبر و خود خواهی از ردائل اخلاقی است که، سبب نفاق و تفر در جامعه می‌شود.

همچنین در روایتی از امام کاظم علیه السلام سیره تربی حضرت لقمان حکیم در عرصه تربیت اخلاقی فرزندش باز گو شده است:

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ، عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام يَا هِشَامُ، إِنَّ لُقْمَانَ قَالَ لِابْنِهِ: تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ، وَإِنَّ الْكَيْسَ لَدَى الْحَقِّ يَسِيرٌ، يَا بَنِي إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ

عَمِيقٌ، قَدْ غَرِقَ فِيهَا (فِيهِ) عَالَمٌ كَثِيرٌ، فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ، وَ حَشْوُهَا الْإِيمَانُ وَ شِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ، وَ قِيمُهَا الْعَقْلُ، وَ دَلِيلُهَا الْعِلْمُ، وَ سُكَّانُهَا الصَّبْرُ (كلینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۸).

همانگونه که ملاحظه می‌شود، روایت دارای دو فراز می‌باشد فراز اول روایت جمله (تَوَاضَعُ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ وَإِنَّ الْكَيْسَ لَدَى الْحَقِّ سِير) است. روایت از قول حضرت لقمان نقل می‌کند که به فرزند خود گفت: در برابر حق سر فرود آر تا خردمندترین مردم باشی. مرحوم فیض کاشانی در توضیح عبارت: «تواضع للحق...» دو وجه معنایی را بیان می‌کند:

الف) تواضع در برابر مردم به خاطر خدا؛

ب) تواضع در برابر خدا به معنای اقرار و اذعان به وجود او و نیز اطاعت از فرامین الهی. سپس نظر ملا صدرا را در باره این عبارت یاد آور می‌شود که گفته است: بنده را جز حول وقوه الهی، نیروی نیست پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «من تواضع لله رفعه الله» (مجلسی، ۱۴۰۱ق، ج ۷۵، ص ۱۵۱) یعنی تواضع در برابر حق موجب تعالی و تکامل انسان می‌گردد، از سوی، طبق حدیث مورد بحث ما تواضع موجب می‌گردد که آدمی به درجه عالی عقل دست یابد و در زمره عاقل‌ترین مردم - که پیامبران مصداق بارز آن است - باشد؛ زیرا براساس کلام ملا صدرا عاقل‌ترین مردم پیامبران و اولیای الهی هستند. {و پس از آنها افراد شایسته بنا بر مرتبه خویش جای گرفته‌اند}. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۷)

به عبارت بهتر طبق نظر ملا صدرا و فیض کاشانی حدیث مورد بحث مفسر روایت نبوی فوق است. مراد از رفعت و تعالی در حدیث نبوی، همان تکامل عقلی است. منظور از «تکن اعقل» این است که انسان به مدد تواضع به مرتبه عالی عقل دست یابد. طبیعی است که فردی عاقل همواره از رذائل اخلاقی اجتناب می‌کند.

گفتنی است سیاق روایت نشان می‌دهد که جناب لقمان در مقام ولی و سرپرست خانواده از باب وظیفه و عمل به تکلیف به این کار اقدام کرده است؛ چون صدر روایت می‌گوید: «یا هِشَامُ، إِنَّ لُقْمَانَ قَالَ لِإِبْنِهِ تَوَاضَعُ لِلْحَقِّ» در فراز دوم لقمان حکیم فرزندش را به اموری توصیه کرده است که، از مصادیق حوزه اخلاقی است چنانچه می‌گوید:

«يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ، قَدْ غَرِقَ فِيهَا (فِيهِ) عَالَمٌ كَثِيرٌ، فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللّٰهَ، وَ حَشْوَهَا الْإِيمَانَ وَ شِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ، وَ قَيْمُهَا الْعَقْلُ، وَ دَلِيلُهَا الْعِلْمُ، وَ سَكَّانُهَا الصَّبْرُ».

در دلالت این فراز روایت بر تربیت اخلاقی فرزند توجه به دو نکته ضروری است:

اولاً: روایت ناظر به تربیت خانوادگی است چون مشتمل بر واژه «یا بُنَيَّ» است.

ثانیاً: در آن به اموری اشاره شده است که از مسائل اخلاقی است، تمسک به تقوای الهی، ایمان به خدا و صبر و توکل به منظور جلوگیری از افتادن دریای فریبنده دنیا از مصادیق تربیت در حوزه اخلاقی است.

بنابراین تربیت دینی دارای سه بخش: تربیت اعتقادی، اخلاقی و احکامی (عبادی و معاملی)

است. نهاد های تربیتی به خصوص والدین نسبت به هر سه حوزه وظیفه دارند.

گفتنی است از میان سه بخش معارف اسلامی، اعتقادات بدلائیل که در پی می آید مهم تر است لذا در فرایند تربیت دینی و پرورش کودک دیندار باید در اولویت باشد. البته اولویت داشتن به معنای بی توجهی به دو بخش دیگر نیست.

نخست، این که اعتقادات اساس دین است؛ و بر اساس آیه قرآن، انکار اصول اعتقادی

سبب گمراهی تلقی شده است^۴

دوم، اینکه بخشی از کاردهای دین که امروزه بر آن تاکید می شود، مربوط به اعتقادات است. معنا بخشی به زندگی، معنا دادن به درد و رنج های مانند احساس تنهایی، احساس ظلم و بی عدالتی، و از بین بردن ترس از مرگ، تنها از عهده دین بر می آید. به همین سبب برخی معتقدند نیاز انسان به دین و حتی آنچه موجب ماندگاری و بقای دین شده، همین کارکردهای دین است. (داوودی، ۱۳۸۰ ص ۴۵)

سوم، اینکه اعتقادات اساس و پایه بخش های دیگر یعنی احکام و اخلاقیات است. وقتی افراد به احکام و اخلاقیات پای بندی نشان می دهد و به آن ملتزم خواهد بود که خداوند را به عنوان یگانه خالق هستی بداند

نتیجه

از آنچه در مورد وظیفه‌مندی نهاد خانواده در مورد تربیت دینی کودکان بیان شد، ضرورت و اهمیت تربیت دینی فرزندان و آشنا سازی آنان با آموزه‌های دینی و پرورش آنها بر مبنای دینی بدست آمد. بر اساس فقهی آموزش مسائل دینی از وظایف الزامی والدین است و سهل انگاری نسبت به آن مجاز نمی باشد. بر اساس آیه وقایه تربیت دینی فرزندان به منظور صیانت آنان از افتادن در آتش جهنم بر والدین واجب است و بر اساس رساله حقوق امام سجاده علیه السلام تربیت دینی فرزندان و راهنمایی آنان به خدا و یاری آنان در طاعت خداوند از حقوق الزامی فرزندان می باشد. همچنین جدیت در تربیت دینی فرزندان بر والدین واجب است و انتخاب مادر خوب و متدین مستحب می باشد.

وظیفه‌مندی والدین در زمینه محورهای تربیت دینی نیز محرز است، براساس ادله والدین وظیفه دارند اصول اعتقادی (توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت) را به فرزندان شان آموزش دهند و در التزام آنان به این اصول بکوشند. همچنین در زمینه محورهای احکامی و عبادی والدین وظیفه الزامی دارند فرزندان را به اطاعت و عبادت خداوند و ادار سازند. در زمینه اخلاقی والدین وظیفه دارند فرزندان را بر صفات اخلاقی تربیت نمایند و از ردائل اخلاقی بر حذر دارند. البته وظیفه آنان در قبال تربیت اخلاقی مستحب مؤکد می باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در روایات متعدد به این امر تصریح شده است:
- «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا قُلْتُ كَيْفَ أَقِيهِمْ؟ قَالَ: تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاهُمْ اللَّهُ فَإِنْ أَطَاعوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۲۴).
- «سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا كَيْفَ نَقِي أَهْلَنَا قَالَ تَأْمُرُونَهُمْ وَتَنْهَوْنَهُمْ» (همان).
۲. «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ المَعُونَةَ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲. ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۸۶)
۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَمُرُوا صَبِيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَافُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْغَرْتُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطِيقُوهُ فَمُرُوا صَبِيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳ ص ۴۰۹).
۴. در یک آیه قرآن آمده است: «آنکه به خدا و ملائکه او و کتاب‌های (آسمانی) و پیامبران او و روز قیامت کفر ورزد، بسیار گمراه شده است. (نساء/۱۳۶).

- قرآن کریم؛
صحیفه سجادیه
اعرافی، علیرضا، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، قم مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۵.
بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بی تا، بی جا، بی نا.
حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم مؤسسه آل‌البتیة، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم جامعه مدرسین، ۱۴۰۲ق.
حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) نه‌ایة الاحکام فی معرفة الاحکام، قم مؤسسه آل‌البتیة، چاپ اول ۱۴۱۹ق.
خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم مؤسسه دارالعلم، بی تا.
خویی، سید ابوالقاسم، موسوعه، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوی، ۱۴۱۸ق.
داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهلبیت ﷺ، (تربیت دینی) قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰
سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌النجفی ۱۴۰۴ق.
صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم جامعه مدرسین بی تا
صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم جامعه مدرسین، بی تا.
فیض‌کاشانی، ملا محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین ﷺ، ۱۴۰۶ق.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
مظهری، مرتضی، جهان‌بینی اسلامی، انتشارات اسلامی، بی جا بی تا.
هاشمی‌شاهرودی، سید محمود و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ﷺ، نرم افزار جامع فقه.

